

فهرست مطالب

تهران دل کندن از لندن	۵
کریم محمودی در تعقیب ازدها.....	۲۱
یادی از پرویز اتابکی و تأثیر فوق برنامه	۲۷
و دنیای سایه‌ها	۳۱
بن‌یست ملک‌الموت	۳۳
شرح باغبانی و دریانوردی در تهران و سیل سهمگین سال ۴۱	۴۳
قانون ماری است که به پای برهنه میزند	۵۳
بیم و امید	۶۹
حسرت آب	۷۱
روستای عظیمی به‌نام لُس آنجلس	۷۵
ادبیات شیلی روایت تنهایی	۷۷
کافه‌های آمریکایی	۸۱
نوری اوریب از پنجره صبح	۸۵
اشعار تحریم‌شده	۸۹
ترجمه غلط عنوان رمان‌های معروف	۹۱
سیمین بهبهانی در دو آینه	۹۳
همسایه ایرانی کارل مارکس	۹۹
نقش زمان در کشف ارزش‌های پنهان آثار هنری	۱۰۵
فرهاد مهراد در موسیقی ایران یک استثناء بود	۱۰۹
بومی شویم تا جهانی شویم	۱۱۳
بوف کور و بارتون فینکسس	۱۱۹
دور از تهران بیتو	۱۲۱
سپانلو برای مرگش تدارک ندیده بود	۱۲۵
خاموشی یک ادیب و دیپلمات	۱۲۹
لورکا با صدای لئونارد کوئن، این والس را دریاب	۱۳۳
نوستالژی زادگاه ابن‌حمدیس	۱۳۷

پیشنهاد چند واژه ترکیبی برای تمامی تولیدات چاپ دستی..... ۱۴۳

توماس ترانسترومر و احیای ایماژیسم..... ۱۴۷

اکتایو پاز و تجربه‌ی هند..... ۱۴۹

سینما و شعرا..... ۱۵۷

ادیت سیت ول..... ۱۷۵

پرتره یک تراژدی کوئین..... ۱۸۱

هایکوی مرگ..... ۱۸۷

خاطره آنا آخمتووا از آمادئو مودیلیانی..... ۱۸۹

در جست‌وجوی حاجی عبدو هیچمکانی..... ۱۹۹

خاطره زاویه نگاه و تأثیر آن در تولید هنری..... ۲۰۹

روایت صادقانه برگمن از خویشتن..... ۲۱۳

مشکلات ممیزی..... ۲۱۹

جمعه روز بدی بود..... ۲۲۳

پایان یک داستان نویسی..... ۲۲۹

از پرنده‌ی توشیح تا پرواز کانکریت..... ۲۳۱

خوابگیر..... ۲۳۷

عظمت و نکبت رایشنتال (کارلوس فوتتس)..... ۲۳۹

مسافر زمان..... ۲۴۳

موسیقی مجلسی..... ۲۵۵

در ستایش ملک‌الموت..... ۲۶۳

معمای تاریک بورخس..... ۲۶۹

باسیل بانتینگ، شاعر مدرنیست..... ۲۷۹

حاصل حوصله..... ۲۸۵

وقتهای پریرکت نوشتن..... ۲۹۳

پل ارتباط..... ۳۰۳

پلی‌ها، یا نبرد شاعرانه در برزیل..... ۳۱۱

معرفی چالز بوکافس کی..... ۳۱۷

انقلابی‌ترین و حساس‌ترین لحظه‌ها در تاریخ ایران، لحظه‌های پر از امید و آرزو است که در آن زمان است که ملت ایران با تمام وجود خود در برابر ستم و ظلم ایستادگی می‌کند و با تمام توان خود برای براندازی رژیم فاسد و پست تلاش می‌کند. این لحظه‌ها است که در آن ملت ایران با تمام وجود خود در برابر ستم و ظلم ایستادگی می‌کند و با تمام توان خود برای براندازی رژیم فاسد و پست تلاش می‌کند.

تهران دل کندن از لندن

من به مفهوم کلاسیک و رایج کلمه شاید مهاجر محسوب نشوم. مهاجر غالباً به فردی گفته می‌شود که در مرحله‌ای از زندگی به دلایلی هدفمندانه تصمیم به ترک کشور خود می‌گیرد و به آن جامه عمل می‌پوشاند. جوانانی که گروه گروه با دلارهای نفتی پیش از انقلاب به قصد ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتند (که من نیز یکی از شمار آنان هستم) مهاجر نبودند. بعد از انقلاب تعدادی از این دانشجویان به ویژه آنهایی که به قشر اعیان جامعه تعلق داشتند و افراد وابسته به کنفدراسیون دانشجویی و احزاب سیاسی چپ و تعدادی که در شان هنوز به پایان نرسیده بود در غرب ماندگار شدند، اما نه به قصد اقامت دائم جنگ هشت ساله، رکود اقتصادی ناشی از نفت ارزان و نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی از دلایل عمده ماندگاری و اقامت دائم آن افراد شد که بعد به نوبه خود بستگان و دوستانشان را نیز تشویق به مهاجرت و راهی کشورهای غربی کردند.

مهاجرت چه از روستا به شهر باشد و چه از کشوری به کشور دیگر عملکردش مشابه تبی و اگیردار است و هنگامی که آغاز می‌شود جلوی آن را به دشواری